

گفت‌وگویی «فرهیختگان» با محمد هادی همایون در باب شأن اجتماعی حرم

حرم‌ها پیوندهای تمدن‌ساز برقرار می‌کنند

به مناسبت سالروز بست نشینی شیخ فضل‌الله نوری در حرم عبدالعظیم حسنی (س)



عیاس بنشاسته

روزنامه‌نگار

حرم‌های اهل بیت (ع) به‌عنوان تعیین تمدنی فرهنگ شیعی در طول تاریخ، میانه تحولات اجتماعی حضور داشته و گاهی بسیار نقش آفرین بودند به طوری که بسیاری از وقایع تاریخی در حول سازمان اجتماعی حرم و نهاد زیارت شکل گرفته‌اند. یکی از این پدیده‌هایی که در تاریخ ما با نهاد حرم پیوند خورده، مساله بست‌نشینی بوده. مروری بر مساله مهاجرت کبری علما و روحانیون به قم، در نهضت مشروطه و بست‌نشینی آنها در حرم حضرت معصومه (س)، نشان می‌دهد این اقدام در نهایت به صدور فرمان مشروطیت انجامید. این امر حاکی از آن است که مساله بست‌نشینی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی حول حرم، نقشی اساسی در یکی از مهم‌ترین اتفاقات تاریخی کشور یعنی انقلاب مشروطه داشته است.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که حرم باعث تشکیل نهادهای مختلفی ذیل خود بوده است که آنها نیز در تحولات سیاسی و اجتماعی مختلف در تاریخ اثرگذار بوده‌اند. یکی از نهادهایی که ذیل حرم در تاریخ تشیع تشکیل شده است، حوزه‌های علمیه است. این مدارس علمیه به‌عنوان جایگاهی برای اشاعه فرهنگ شیعه و همچنین اقدام علیه سلاطین جبار بوده‌اند. سخنرانی امام خمینی (ره) در خرداد ۴۲ در مدرسه فیضیه قم و دستگیری ایشان که منجر به قیام ۱۵ خرداد شد یکی از نقاط عطف تاریخ ایران و آغازگر مبارزه با نظام سلطنتی بوده است که مبدأ آن از یکی از نهادهای وابسته به حرم یعنی مدرسه فیضیه بوده است.

در بحث تأثیر حرم بر تحولات اجتماعی، حوادث دیگری را نیز می‌توان نام برد. به‌عنوان مثال کشتار متحصنین مسجد گوهرشاد در اعتراض به کشف حجاب رضاخانی، یا قیام ۱۹ دی ۵۶ مردم قم و تظاهرات مردم به‌سمت حرم حضرت معصومه که در اعتراض به توهین روزنامه اطلاعات به امام (ره) شکل گرفت و سرکوب این قیام توسط رژیم باعث شد در نهایت باعث پایان سلطنت شد. این همه از نمونه‌های مرکزیت حرم در تحولات تاریخی است.

در حرم است که دیانت و مناسک با فرهنگ و سیاست و اقتصاد و آموزش متصل و مجموع شده است و اکنون نیز می‌توان و باید حرم را مورد بازخوانی قرار داد. متن زیر مشروح گفت‌وگویی «فرهیختگان» با محمد هادی همایون، استاد دانشگاه امام صادق (ع) در موضوع یاد شده است که از نظر می‌گذرانید.

|||

آیا اساسا حرم یک نهاد اجتماعی محسوب می‌شود؟ خصوصیات یک نهاد اجتماعی چیست و آیا حرم می‌تواند یک نهاد اجتماعی باشد یا فراتر از یک نهاد اجتماعی است؟

این ایده که حرم را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی ببینیم به‌نظم می‌تواند امکان‌های جدیدی را در تحلیل و به‌ویژه سیاستگذاری پیش‌روی ما قرار دهد. اما اگر این امر به این معنا باشد که ما حرم را فقط و فقط به‌عنوان یک نهاد اجتماعی ببینیم و فارغ از حقیقتی که در حرم وجود دارد، صرفا کارکرد اجتماعی آن را مورد اشاره قرار دهیم و بر این اساس برایش برنامه‌ریزی داشته باشیم، فکر می‌کنم [در این صورت] بعدا یک سری نواقص در این نوع تحلیل ایجاد خواهد شد.

بله، حتما حرم یک نهاد اجتماعی است و باید آن را مانند یک نهاد اجتماعی در چرخه سیاستگذاری وارد کرد اما باید به این نکته توجه داشت که این نهاد اجتماعی دارای ریشه‌های معنوی و باطنی عمیقی است که این ریشه‌ها به نوبه خود بر این کارکرد اجتماعی حرم تأثیر می‌گذارد.

پدیده‌های بنام زیارت، حقیقتی دارد که آن حقیقت به محضر امام رسیدن، امام را شفیع قرار دادن و به امام پیوستن و یکی شدن با امام است. وقتی روی این زیارت، یک ساختار و ساختمان و سازمان بنا می‌شود و یک محیط جغرافیایی از این منسکی که وجود دارد حمایت می‌کند، در واقع جنبه‌های اجتماعی را برای ما تأمین می‌کند و گرنه هر کسی می‌تواند زیارت را در گوشه خانه خود هم انجام دهد. اما وقتی ما حرمی

داریم که مراقد شریف ائمه معصومین و اولیای الهی است، جایی را به لحاظ ساختار و سازه‌های تمدنی تعیین کرده‌ایم که انسان‌ها بتوانند دور هم جمع شوند. باید گفت همه آنچه ما از یک منسک اجتماعی و یک نهاد اجتماعی نیاز داریم، همه اینها در حرم جمع شده است که حتی کارکردی فوق مسجد دارد. اتفاق بزرگی در حرم می‌افتد و این نشان می‌دهد که یک حقیقت و باطن عظیمی کاملا به شکل اجتماعی رشد می‌کند و تبدیل به یک نهاد اجتماعی بسیار بزرگ می‌شود که در طول تاریخ برای ما برکات اجتماعی و تمدن‌سازانه بسیار بزرگی داشته است.

اگر بخواهیم یک بررسی تاریخی صورت دهیم، حرم تاکنون چه کارکردهای اجتماعی‌ای داشته است؟ تأثیر حرم را در تحولات فرهنگی و اجتماعی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر [در حرم] اتفاقی تاریخی رخ داده، این مساله مربوط به موقعی است که ما توانسته‌ایم این ظرفیت عظیم را شناسایی کرده و از آن برای پیشبرد امر تاریخی استفاده کنیم. به‌نظر من [عمده] نقش حرم در موضوع تمدن‌سازی است و همان رویکردی که شیعه به‌سمت آخر زمان و زمینه‌سازی برای ظهور حرکت می‌کند. شاید یکی از مهم‌ترین دستگاه‌ها و نهادهایی که از این لحاظ برای زمینه‌سازی ظهور و تمدن‌سازی در

شهر پیرامون یک مسجد یا یک حرم یا مکان مقدس شکل می‌گرفته و بازار به همین امر متصل می‌شده و این مساله تا حد زیادی سلامت معنوی شهر، بازار یا محله را تأمین می‌کرده است. حرم یک ساختار مهم تمدنی است که حتی مسجد و حوزه علمیه را هم ذیل خود می‌گیرد. در زمان هجرت فرزندان موسی بن جعفر (ع) به ایران - که [آن مقطع] مقطع مهم تمدن‌سازی است - شیعیان تلاش کردند که این پایگاه‌ها با همین عنوان مراقد امامزادگان در ایران ملجا و مرکز امامزادگان در ایران ملجا و مرکز باشند، که نظم جغرافیایی مهمی به کشور داد

اختیار ماست، حرم باشد. بزرگ‌ترین مصداق آن هم حرم سیدالشهداست به این دلیل که واقعه‌ای که به آن متصل است یک واقعه همیشگی تاریخی و جهانی است.

شما اربعین را می‌بینید که حرم چگونه مانند یک مغناطیسی همه را به خود جذب می‌کند. حزب شیطان در دوره‌های مختلف مانند دوره متوکل یا دوره وهابیان درصدد تخریب این فضا بوده‌اند. محل مقابله حزب شیطان با جریان زمینه‌ساز ظهور همین حرم بوده است مانند حمله‌ای که در دوران صدام به قیام شعبانیه شد و این نشان می‌دهد که حرم چه ظرفیت ویژه‌ای دارد. روح بزرگ امام آنجا حاضر است و امام محور وحدت است. خیلی عجیب نیست که جریان عظیم اربعین به‌سمت حرم سیدالشهدا شکل می‌گیرد. در طول تاریخ علما و بزرگان ما این ظرفیت را کشف کردند و اتفاقاتی مانند بست‌نشینی یا مهاجرت صغری و کبری با محوریت حرم شکل گرفت. به‌طور کلی بزنگاه‌های تاریخی مختلفی را برای تأیید این مساله می‌توان نام برد.

امروز با بروز بحران کرونا می‌بینیم که موضوع حرم مورد بی‌مهری واقع می‌شود. البته به اعتبار اینکه متخصصان دولتی الزام به قانون می‌کنند، باید به این مساله تن داد، ولی باید این را هم در نظر داشت که محروم کردن جریان تمدنی کشور از ظرفیت حرم خسارت بسیار بزرگی است.

یادداشت

هم پناهگاه مردم هم منشأ تحولات

علی انتظاری
دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

نهاد دینی نه‌فقط در جامعه ما بلکه در همه جوامع، در تحولات و جریان‌ها، محوری بوده و در شکل‌گیری سایر نهادهای اجتماعی نقشی فعال دارد. نهاد حرم براساس یک نیاز اجتماعی و تاریخی شکل گرفته است. چون براساس این نیاز به‌وجود آمده، قطعاً ارتباط وثیقی با جریان‌های اجتماعی دوره‌های مختلف پیدا می‌کند.

در طول تاریخ بسیاری از حرکت‌ها از جمله شکل‌گیری انقلاب اسلامی و همچنین حفظ ارزش‌های دینی مردم وابسته به نهاد حرم بوده است. نظام شاهنشاهی شریاطی را برای نوسازی شبه‌غربی در ایران - از سینما و تئاتر گرفته تا وضع پوشش و... - به‌وجود آورده بود و تمام توان و بودجه و رسانه‌ها را در

این مسیر بسیج کرده بود تا یک مدل غربی در ایران بسازد. با وجود همه این کارها که از دوره رضاشان آغاز شد و در دوره بعدی با شدت پیگیری شد، می‌بینیم که انقلاب با گرایش دینی شکل می‌گیرد و گرایش دینی مردم در قالب همین نهادهای دینی قوام می‌گیرد که مهم‌ترین آنها همان مسجد و حرم‌های مطهر بوده است.

به‌خصوص در مورد حرم امام‌رضا (ع) مردم با هر گرایشی و با هر سلیقه فکری، هویت خود را با هویت امام‌رضا (ع) و حرم امام‌رضا (ع) همانندسازی می‌کردند و این نقش محوری در حفظ ارزش‌های دینی مردم ایران داشته است.

در طول تاریخ می‌بینیم که حرم امام حسین (ع) هم چنین ظرفیتی داشته است. راهپیمایی اربعین یک حرکت سیاسی بوده که همیشه دولت‌ها با آن مشکل داشته‌اند. این پیاده‌روی به این منظور به‌وجود آمده بود که با

اقداماتی که حکومت‌ها برای تضعیف علاقه و ارادت مردم به امام حسین (ع) انجام می‌دادند، مقابله کند. در دوره صدام پیاده‌روی اربعین ممنوع می‌شود و این ممنوعیت، در مردم مقاومت ایجاد کرده و وقتی که صدام سقوط می‌کند این پیاده‌روی تدریجا رونق پیدا کرد که الان تبدیل به یک جریان خیلی مهم بشری شده که در تاریخ بشر سابقه نداشته است.

شبهه این اتفاق در طول تاریخ در ارتباطی که مردم با حرم داشته‌اند، رخ داده است؛ مثلا وقتی مردم در حرم‌ها تحصن می‌کنند یا رضاخان به مسجد گوهرشاد حمله می‌کند، نشان از این داشته که حرم پناهگاهی برای مردم جهت مقابله با جریان سیاسی حاکم بوده است که منجر به برخوردی می‌شود که حکومت با این نهادهای دینی می‌کند.

حرم می‌تواند منشأ آزادت مردم و مقاومت آنها در برابر استبداد باشد و می‌تواند الهام‌بخش قوه نقاد مردم باشد، همچنین چارچوب اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر متوجه نقد قدرت است را

فعال می‌کند. حرم ائمه چنین نقشی داشته است که مردم به‌واسطه اتصال خود با حرم، هم هویت‌شان براساس حرم شکل می‌گیرد و هم نقش موثری در جریان امر به معروف و نهی از منکر می‌یابند که متوجه قدرت است.

لذا حکومت‌ها همیشه نسبت به مساله حرم حساس بوده‌اند و تلاش می‌کردند به‌وجوه مختلف با آن مقابله کنند؛ یا آن را از بین ببرند یا به‌نوعی اهمیت آن را کم کنند و از میزان توجه مردم بکاهند. مثلا دولت عربستان با شعارهای وهابیت در حال از بین بردن همه نمادهای دینی است. نقش این نمادها در جامعه این است که بتوانند باورها و ارزش‌ها را حفظ کنند. ما اگر بخواهیم جامعه را بشناسیم با اقوال افواهی ممکن نیست، بلکه جامعه را با مناسک و نمادهایی که در جامعه وجود دارد می‌توان شناخت. آن نمادها، نمایشگر باورها و اعتقادات مردم هستند.

همه ادیان، مناسک دارند و اگر مناسک از بین برود هیچ دینی باقی نمی‌ماند. رویکردهایی که وهابیت در تخریب مناسک دارد به‌خاطر این است که آنها به‌دنبال از بین بردن دین هستند. وهاب‌ها خیلی از مظاهر تاریخی اطراف مسجدالنبی (ص) را از بین برده‌اند. قصد آنها از بین بردن مناسک و نمادهای دینی است، با این هدف که اساسا دین از بین برود.

مناسک باقی است به‌واسطه مناسک باقی است. در مسیحیت هم کلیسا دین را حفظ کرده است ولو اینکه با تحریف مواجه شده باشد. جامعه‌شناسان وقتی می‌خواهند در مورد باورها و اعتقادات یک جامعه مطالعه کنند روی نمادها و مناسک مطالعه می‌کنند. مناسک و نمادها، باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. آنها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست.

همین که مردم به‌صورت جمعی در حرم‌ها ادای احترام می‌کنند، باعث اتصال آنها به دین می‌شود. اگر اینها نبود تفکر شیعی ادامه پیدا نمی‌کرد. وقتی در شهری یک برج نماد مردم است بنابراین اعتقادات و باورهای مردم هم براساس همان برج شکل می‌گیرد، ولی وقتی یک مکان مذهبی مثل مسجد، حرم، کلیسا و... نماد اصلی آن شهر است، طبعاً باورها و ارزش‌های مردم حول همان نماد مذهبی تکوین و تداوم پیدا می‌کند. لذا می‌توان گفت نمادهای مذهبی در طول تاریخ همواره منشأ تحولات و جریان‌های اجتماعی و پایگاهی علیه قدرت‌های مستبدی بودند که در طول تاریخ یکه‌تازی می‌کردند. نهاد حرم و نهادهای دیگر مذهبی، پناهگاهی برای مردم به‌منظور این مواجهه بوده‌اند.

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

مناسک و نمادها باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتما نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملا این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست

